

# اسکار، چرا اروپا؟

مهندس محمد جعفری

بیست و چهارم مارس، برابر با پنجم فروردین ماه سال جاری، بیش از یک میلیارد انسان در سراسر دنیا از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای شاهد برگزاری شصت و نهمین دوره مراسم توزیع جوایز اسکار بودند پیلوی کریستال کم‌دین معروف آمریکا پس از دو سال دوری بار دیگر در تالار معروف آکادمی اسکار حضور پیدا کرد تا به عنوان مجری برنامه، حال و هوایی دیگر به این مراسم ببخشد. دست اندرکاران و سیاست‌گذاران اسکار اگرچه در سال گذشته جای او را به مروپی گلدبرگ سپرده بودند، اما در مراسم امسال با انتخاب پیلوی کریستال در واقع مناسب‌ترین و شایسته‌ترین فرد را به عنوان مجری توزیع جوایز اسکار برگزیدند، هر چند که حرکات کمیک بیلی هم نتوانست کالبد بیروح مراسم اسکار امسال را روحی تازه ببخشد.

او سال قبل، در میان تبلیغات شگفت و ابعاد گسترده سیاسی و قومی فیلم حمایت شده صهیونیست‌ها، فهرست شنیدلر جوایز اسکار را درو کرد و امسال فیلم حماسی و عاشقانه بیمار انگلیسی The English Patient با سرمایه‌گذاری شرکت میراماکس آمریکایی با دریافت نه جایزه اسکار رکورد دریافت جوایز متعلق به یک فیلم غیرآمریکایی را به خود اختصاص داد. این فیلم کاندیدای دریافت دوازده جایزه بود.

تونی مینگلا کارگردان فیلم بیمار انگلیسی، در هنگام دریافت جایزه در سالن معروف اسکار در لس آنجلس خطاب به جمعیت چنین گفت:

«این جایزه متعلق به تمام کسانی است که در چهار سال و نیم گذشته با من همراه بودند و من بار سنگینی بر دوش آنها بوده‌ام، از تمام گروه اسپانگزارم، از فاینس در نقش نجیب‌زاده، و تمام کسانی که ساختن این فیلم را ممکن نمودند». در فواصل اعطای جوایز اسکار، پیلوی کریستال از محمدعلی کلی و جورج فورمن دعوت کرد تا به صحنه بیایند. با ظاهر شدن محمدعلی کلی، قهرمان سابق بوکس جهان بر روی صحنه، صدای کف زدن شش هزار جمعیت حاضر در سالن شور و شوق خاصی به مراسم بخشید. محمد علی با بدنی لرزان و بیمار به روی صحنه آمد و جایزه خود را دریافت کرد.

در مراسم اسکار امسال یکصد و پنجاه نفر کاندیدای دریافت جوایز اسکار بودند که نام دو ایرانی، داریوش خنجی و حبیب زرگرپور نیز به چشم می‌خورد.

داریوش خنجی کاندیدای دریافت جایزه اسکار برای مدیریت فیلمبرداری فیلم اویستا ساخته آلن پارکو و حبیب زرگرپور برای دریافت جایزه بهترین جلوه‌های ویژه برای فیلم گردباد بود.

اگر تبلیغات بیش از حد و تعاریف بیل کیلیتتون، رئیس جمهور آمریکا از فیلم روز استقلال نبود، بطور قطع گردباد می‌توانست جایزه اسکار را در بخش جلوه‌های ویژه از آن خود کند.

در مراسم اسکار امسال برای اولین بار طراحان و گردانندگان این مراسم ترجیح دادند جوایز اسکار را به فیلمسازان و هنرمندان کشورهای اروپایی و یا به فیلمهایی که با نگرش و افکار اروپایی ساخته شده‌اند، اهدا نمایند. در میان فیلمهای برگزیده، امسال بجای یک فیلم جری مگوئر خبری از فیلمهای آمریکایی و هالیوودپسند نبود.

بعد از توزیع جوایز اسکار امسال، اولین سئوالی که در ذهن شکل می‌گیرد، این است که به راستی در پشت پرده سیاست‌گذاری‌های اسکار چه می‌گذرد؟ چگونه و چرا سیاست‌گذاران اسکار امسال جوایز خود را به فیلمهای غیرآمریکایی و یا فیلمهایی که نگرش و افکار اروپایی



فضای حاکم بر مراسم بشوند.

برای نخستین بار جایزه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی که تندیس با روکش طلای ۲۴ عیار است در سال ۱۹۲۹ میلادی به گروهی از دست‌اندرکاران سینما اهدا شد.

اعضای اولین دوره مراسم اسکار عبارت بودند از مری پیکفورد، داگلاس فرینکس، گریفیت و چارلی چاپلین که همگی یهودی بودند، البته چاپلین وقتی در دوره‌های بعدی متوجه نیات سیاسی و اهداف مونیوپولیزم آکادمی شد خود را کنار کشید. آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در ابتدا دارای سی و هفت عضو از میان شخصیت‌های برجسته سینمایی بود ولی امروز تعداد اعضای آکادمی اسکار نزدیک به شش هزار نفر می‌رسند که شامل بازیگران، کارگردانان، فیلمبرداران، تهیه‌کنندگان، فیلمنامه‌نویسان، آهنگسازان و... می‌باشند.

از ابتدای تاریخ سینما و حتی قبل از تشکیل هالیوود، یهودیان با تأسیس یا خریدن مشهورترین شرکت‌های تولید فیلم در سراسر آمریکا و بعداً با تداوم اقدامات تجاری خود در راستای تسلط هرچه بیشتر جهان سینما، اقدام به خریدن کمپانیهای فیلمسازی در دیگر کشورها نمودند و هم اکنون طبق آمار منتشر شده از سوی محافل بی‌نظر، بیش از نود درصد از کل دست‌اندرکاران سینمای آمریکا از طیف یهودیان می‌باشند و بطور کامل شرکت‌های تولید فیلم در هالیوود را در بدقدرت خویش دارند. در آمدهای نجومی این دایره قدرت، بیشتر برای حفظ دولت اسرائیل صرف می‌شود و حتی بعنوان یک اهرم فشار همیشه سایه‌اش بر بالای سر سیاستمداران کاخ سفید سنگینی می‌کند تا مبادا از فکر حمایت از اعمال ضد انسانی صهیونیست‌های حاکم بر سرزمینهای اشغالی فلسطین بیرون آیند و بنابراین دولتمردان کاخ سفید، همیشه نوک تیز سرنیزه قدرتمندان و ثروتمندان قوم یهود را چه در زمینه‌های اقتصادی و چه در راستای تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی بخصوص در حیطه سینما و تلویزیون بخوبی احساس می‌کنند و بقای قدرت خویش را در اطاعت از دستورات صادر شده توسط آنها مشاهده می‌نمایند.

برای اینکه دامنه این قدرت وسیع‌تر شود و بخاطر اینکه از نظر استراتژیک دیگر ملل را نیز وابسته زرق و برقهای ظاهراً هنری خود نمایند، در سیطره قدرت هنر و سینما اینبار چنین اندیشیدند که جوایز اسکار را از دایره چرخشی هنرمندان سینمای آمریکا بیرون آورده و در فضای پرتلاش اروپا جوایز اسکار را پخش نمایند، تا بدینوسیله جلوی حرکت‌های آزاداندیش متفکران اروپایی را که روز بروز بر دولتهای خویش بیشتر فشار می‌آورند تا جلوی تهاجمات فرهنگی آمریکا را بگیرند، سد نمایند. اینبار شمشیر تیز تندیس طلایی اسکار امسال، با عوام فریبی بر قلب دنیای هنرمندان اروپایی فرود آمده است. بهرحال همتی والا و اراده‌ای پولادین لازم است تا

هنرمند اروپایی درد این زخم را تحمل و مردانه بپا خاسته تا در مقابل استثمار فرهنگی این خفاش تنیده در لایه طلای ۲۴ عیار زنده بودن خویش را با ثبات برساند.

دارند، اهداء کرده‌اند؟ شاید برای پاسخ دادن به این پرسش نیم‌نگاهی هر چند گذرا به تاریخچه شکل‌گیری و اهداف اسکار خیلی از نکات کنگ و مبهم این حرکت سیاسی و اهداف آن را روشن کند. اولین گردهم‌آیی تشکیل‌دهندگان مراسم اسکار در ماه مه سال ۱۹۲۷ میلادی در آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در هالیوود برگزار شد. باید پرسید چه حادثه‌ای روی داده است که برگزارکنندگان این چنین سخاوتمندانه و بدون هیچ گونه چشمداشتی برای ارج نهادن به دنیای هنر و هنرمندان سینما و به دور از هرگونه تمصب و سمپاتی آمریکایی جوایز اسکار را تقدیم کسانی کنند که برای ارتقای هنر و صنعت سینما زحمت کشیده‌اند؟

آیا، برآستی چنین اندیشه‌ای در مراسم اهداء جوایز اسکار در ذهن سیاست‌گذاران این مراسم بوده است؟! تأسیس هالیوود و استودیوهای اولیه آن، مدیون سرمایه‌های بادآورده گروهی یهودی ثروتمند مهاجر از کشورهای اروپای شرقی است.

در دو دهه اول قرن بیستم پس از شکل‌گیری هالیوود و افزایش رو به تزاید درآمد حرفه‌ای فیلمسازی در فاصله زمانی سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰، سینما یکی از ارکان پرمنفعت حرفه تجارت برای تجار محسوب می‌گشت.

در اواخر سالهای ۱۹۳۰ با ورود سینمای ناطق، همه چیز در سینما دگرگون شد و این حرفه بعنوان یکی از ابزار تعیین‌کننده تهرای سیاستمداران، جای خود را در ارکان مختلف جامعه باز نمود در ماه مه سال ۱۹۳۷ لوئیس بی‌مایر یهودی و صهیونیست صاحب نام سینما و رئیس کمپانی متروگلدن مایر باهرپایی یک میهمانی در منزل خود، رسماً فکر تأسیس یک مجمع به اصطلاح علمی و هنری را در بین مدعوین که بالغ بر سیصد نفر و اغلب از تهیه‌کنندگان و سرمایه‌داران بزرگ یهودی بودند، مطرح نمود. برای پیشبرد اهداف لوئیس بی‌مایر، هر کدام از مدعوین چکی به مبلغ یکصد دلار پرداخت نمودند و در همان شب بنایه اهدای جوایز به فیلمها نیز مورد بررسی و اظهار نظرهای مختلف واقع شد و بدین ترتیب در ماه مه سال ۱۹۳۷ آکادمی هنرها و علوم سینمایی تأسیس گردید. این آکادمی توسعه و پیشبرد هنر و علوم مربوط به این حرفه (سینما) را از طریق مبادله افکار سازنده و همچنین با اهدای جوایز برای دستاوردهای با ارزش در رشته‌های گوناگون تشویق خواهد کرد. از سال ۱۹۲۹ میلادی که نخستین جوایز اسکار اهدا شد یک طرز تفکر ویژه در جهت انتخاب برندگان در راستای هدایت این پدیده جدید دنبال شد که همانا تزریق تفکر صهیونیستی ویرانگر اخلاقیات و معنویات انسان براساس تز هرچه بیشتر فراگیر شدن واگراندیسمان نمودن خواسته‌های مادی‌گرایانه دست‌اندرکاران پشت پرده آکادمی اسکار که دقیقاً در تضاد با ضوابط انسانی و ارزشهای والای انسانیت می‌باشند و همانا ایجاد یک تب بسیار کاذب در طی مدت زمانی یکسال در سطوح جهان در بین هنرمندان سینما برای ربودن جوایز آنهم بهر قیمتی که شده و ایجاد یک هیجان کاذب در بین مردم سینما دوست که اسیر و شیفته زرق و برقهای مصنوعی